

ششمین نماز جمعه ۵۸/۶/۹ در دانشگاه تهران

خطبه اول :

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بر همه شما برادران و خواهران و فرزندان عزیز. درود بر همه مسلمانهای متعهد و جوانهای مجاهد.

قبل از شروع به خطبه رسمی نماز جمعه، این مسأله شرعی را که بارها تذکر داده شده کسانی که در نماز جمعه حضور دارند باید رعایت کنند، هنگام خطبه که جزء نماز است سکوت کنند، شعار ندهند، صلوات بلند نفرستند، صحیح است نگویند، صفها به یکدیگر متصل باشد. و اگر احیاناً "در نماز احساس اخلاص کردند - چه درباره سکوتی که هنگام خطبه باید داشته باشند و حتی الامکان روی از قبله نگردانند چه از جهت فواصلی که گاهی پیش می آید - بعد از نماز جمعه که نماز عصر خوانده می شود می توانند نماز ظهر را احتیاطاً" اعاده کنند. این یک مسأله.

مسأله دیگر، برای مزید رحمت و مغفرت و قدردانی از شهدای راه اسلام و انقلاب اسلامی ما آنهایی که خونهای شان در میان تپه ها و کوهستانها و دشتهای کردستان به زمین ریخته شده، جوانان پاسدار ما، سربازها و افسران ما و دیگر شهدای ما بخصوص شهید آخرین ما برادر عزیزمان، شخصیت مجاهد بابینش مستقیم مرحوم حاج مهدی عراقی و فرزندش، برادران و خواهران بپا بایستند و سوره فاتحه بخوانند:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. الرحمن الرحيم. مالک يوم الدين. اياک نعبد و اياک نستعين. اهدنا الصراط المستقیم. صراط الذین انعمت علیهم غیر- المغضوب علیهم ولا الضالین. رحمة الله و بركاته علیهم و لعنت الله علی قاتليهم.

* *

بسم الله الرحمن الرحيم . رب العالمين ، مبير الظالمين ، معز المستضعفين ، مذل المستكبرين ، اللهم صل وسلم على عبدك ورسولك ، السراج المنير ، معلن الحق بالحق و دافع الظلم والظلاله ، محمد بن عبدالله وعلى آله واصحابه المنتجبين وعلى الائمة الطاهرين الهداة المهديين . تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان . اين وظیفه بزرگ ، سؤولیت همگانی که در میان موحدین و مسلمین دائما " باید مراعات و اجرا بشود در هر کار خبری و در هر عملی که مورد رضایت خداست و برای پیشرفت و تعالی فکری و زندگی و اقتصاد مسلمانان است همه باهم باید تعاون داشته باشند . برو تقوا . و در آنچه که عصیان و گناه است ، تجاوز است ، باید همه در مقابل آن بایستند و علیه عصیان و طغیان یک صف تشکیل بدهند . امروز مهمترین مسأله ای که برای همه ما بعد از این انقلاب ، این انقلاب پیشرس و برای دولت ما ، ملت ما و همه گروه های مخلص ما مهم است همین تعاون است . اگر دولت پشتیبانی از ملت نداشته باشد و بیاریش نشتابند کاری از او ساخته نیست . و همینطور اگر ملت پشتیبانی از دولت و قدرت اجرایی دولت نداشته باشد کارها فلج است . من نمی خواهم بگویم که دولت از هر جهت کارهایش و روشش مورد تأیید است . ضعفها هست ، ولی از طرف دیگر بعد از این انقلاب به قدری مشکلات - که من از نزدیک وارد هستم و همه هم تاحدی می دانید - برای دولت در پیش بوده که شاید در هیچ انقلابی اینقدر مشکلات نداشتند . آماده نبودن عموم مردم برای سازندگی ، نداشتن یک برنامه قبلی که همه احزاب ، گروه های انقلابی ، آنهایی که در هر کشوری دست به انقلاب می زنند قبلا " یک برنامه ای مفصل یا مجمل دارند ، ولی ما نداشتیم . و از جهت دیگر خواه نخواه برای حفظ امنیت و حفظ کشور مسؤولینی کار را بدست گرفتند ، مانند کمیته ها ، دادگاه های انقلابی که چاره ای هم جز این نبوده و با ضعفی که قوای انتظامی ما داشت و دارد ، پلیس ما داشت و دارد ، ژاندارمری ما داشت و دارد ، اگر این کمیته ها تا حدی استقلال نداشتند و همینطور این فرزندان و برادران از جان گذشته و مجاهد ما " پاسداران " در کارها دخالت نمی کردند ، اکنون همینقدر ثبات و امنیتی که ما احساس می کنیم نداشتیم ، هرروز درگیری و هرروز کشتار . در همه انقلاب های دنیا شما ملاحظه بکنید ، بعد از انقلاب مدتها کشتار ، زد و خورد ، روزها هرروز صدها ، هزارها کشته می دادند این مربوط به قدرت رهبری که رهبری اسلامی و نافذ در قلوب و اندیشه های عموم مردم است چنین امنیتی پیش آورد . و از طرفی دیگر مسؤولیتهائی که کمیته ها بدست گرفتند با اینکه البته اشتباهات و لغزشهایی هم پیش آمده . و از این جهت من به سهم خود تضعیف دولت را بیش از اینکه هست جایز نمی دانم . باید انتقاد بکنید ،

و شما ملت مسلمان متعهد هم همکاری کنید در اجراء کارها . دولت عبارتست از چند وزیر و یک عده کارمند ، کارندهائی که شاید اغلب اینها نمی توانند درست و وظایفشان را انجام بدهند و قوای مجریه ای که اینها هنوز نتوانستند جا باز کنند در میان انقلاب . پس کی می ماند ؟ شما ملت . شما ملت باید همکاری بکنید بخصوص با تأییدی که حضرت آیت الله امام می کنند از دولت و شرایطی که اکنون ما بسر می بریم . شرایط بسیار خطیر ، دسیسه ها از هرسو و تحریکات از داخل و خارج برای از بین بردن این انقلاب ما . بهر نرساندن و آشوب در همه منطقه ایجاد کردن در کار است . یکی از طرحهائی که به نظر می رسد شاید هر چند مهم نیست - البته به نظر عده ای - همین طرحی است که شهرداری ما برای مسأله ترافیک داده است مسأله ترافیک در دنیای تولید و مصرف مسأله بسیار پیچیده ای است . هنوز هم نتوانسته اند حل کنند ، چون آئین نامه است و قانون بدون تعهد مردم . و در کشور ما مسأله ترافیک ، وقت هائی که صرف می شود و استعداد هائی که در معابر و عبور از جایی به جایی و برای رسیدن کارها همه از میان می رود ، عصبانیتها ، استهلاک ماشینها ، مصرف بنزینها ، همین است که استعمار خواسته و عوامل استعمار ، که ما سرگرم این مسائل جزئی باشیم که بعدهم عصبانیت و بعدهم به جان هم بیفتیم ، بعدهم مصرف تولیدهای خارجی و هی ماشین پشت ماشین . هر کسی از حقوق بگیرها ، حتی کارمندهای جزء اگر خانه اش اجاری است ، اگر فرش در خانه اش نیست ، روی رقابتها و تحریکات باید یک ماشین لااقل پیکان داشته باشد . این وضعی است که ملاحظه می کنید و رژیم سابق هم درمانده شده بود ، با اینکه به دست خودش این وضع را پیش آورد . ما از همه خواهان و برادران تقاضا می کنیم که با این عمل انقلابی و این کار انقلابی ، نشان دادن قدرت انقلابی خودتان را و نشان دادن ایمان و محبت و صمیمیت خودتان را در این طرح به همه دنیا نشان بدهید . از فردا اتوبوسها به راه می افتند . آنهائی که ماشین سواری دارند حتی الامکان جز در موارد ضروری استفاده نکنند . من همین چند روز که در خیابان عبور می کردم از اول مسیر تا آخر مسیر اغلب ماشینها یک نفر ، دو نفر ، و راه مردم را اشغال کرده اند . اتوبوسها بنا شده به سرعت حرکت کنند و اکثر مردم باید این کار انقلابی ، این وظیفه اسلامی ، این چهره اسلامی خودشان را نشان بدهند و سوار اتوبوسها بشوند . ماشینها را کنار بگذارند جز در موارد ضروری ، باهم تعاون داشته باشند ، ملاحظه حال پیرمرد ها ، پیرزن ها ، مریضها را بکنند و همینطور راننده ها با اخلاق رفتار کنند و مسافری هم اخلاق اسلامی خودشان را نشان بدهند . باهم تعارض نکنند باهم درگیری نداشته باشند و در عین حال باهم ، یک شهر متحرکی که عبارتست از

این اتوبوسها و ماشینهای عمومی در شهر به راه خواهد افتاد و در میان این ماشینها مسائلی می تواند مطرح بشود ولی مراقب باشید که آنچه که هر فرصت طلبی و هر خودخواهی از هر مسأله ای می خواهد استفاده کند . باید پاسداران را احترام بگذارید ، مأمورین راهنمایی را احترام بگذارید و دستورات آنها را اجرا کنید ، در میان ماشینها اگر خواستند آن کسانی که تحریک می کنند و اخلاص می کنند و هر وسیله ای را و هر چیزی را وسیله تحریک و تشنج و شایعه سازی درست می کنند ، آنها را همه موظفیم جلوگیری کنیم . نفاثات فی العقد ، آنها را که دائما " می دوند آن خناسها . اعوذ بالله من الشیطان الرجیم . قل اعوذ برب الناس ، هر روز صبح که از خانه بیرون می آئیم این دو سوره را بخوانیم ولی نه قرائت ، به خودمان تلقین کنیم : قل اعوذ برب الناس ، ملک الناس ، الف الناس . من شوالسواس الخناس . الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنة والناس . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

* * *

خطبه دوم :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الخالق الاحد . الفرد الصمد . فاطر السموات والارضین . معز من یشاء و مذل من یشاء . بیده الخیر و هو . علی کل شیء قدير . اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک المنتجب الذی ارسلته هدی للناس ، و علی الائمة الطاهرين و علی اصحابه و خلفائه المنتجبين . در نماز جمعه دو سوره مستحب مؤکداست : یکی سوره جمعه که دستور صف مسلمانها ، صف عبادت ، صف جهاد ، صف همبستگی روابط دلها ، روابط قلبها [را دارد] که مهمترین مسأله است . این مسائل ارتباطی - ارتباط معنوی در تعالیم عالیة اسلام - این روابط دائما " باید تجدید بشود ، در شبانه روز ، در جماعت های صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا . از زندگی ، از توجه به امور عادی زندگی و از آلودگی به تحریکات احساسات خودخواهی ، مال پرستی ، خدعه و فریب بیرون بیائیم ، در صف جماعت قرار بگیریم ، تجدید حیات کنیم ، باهم پیوسته بشویم . امتیازات را الفا کنیم دو مرتبه برگردیم به زندگی معمولی . این از معجزات دستورات اسلامی [است] ، نه مثل رهبانیت که فقط از زندگی کنار بکشند و همه چیز را ترک کنند و نه مثل دنیای مادی که یکسره غرق در

شهوات و زندگی باشند. این یک مبارزه متحرک و دائم است بین زندگی و بین حق و توحید و خداپرستی و همین منشأ هرگونه تعالی انسان است. بعد روزهای جمعه و بعدهم در آن مناسک بزرگ حج. اینست که سوره جمعه در خطبه اول دستور مستحبی مؤکداست برای تشکیل چنین اجتماع و ادامه چنین اجتماع. در سوره دوم سوره منافقین است یعنی آن خطری که این اجتماع را متلاشی می کند، آن خطری که از درون نفوذ می کند، آن خطری که از اول اسلام بود و هرچه مسلمانها بعد از طلوع اسلام ضربه خوردید به دست منافقین بوده است نه به دست کفار. کفار چهره شناخته شده ای دارند صفشان جداست، ولی منافق یعنی آن انسان چند چهره، آن کسی که با چهره دین نفوذ می کند در صف مسلمانها، ولی این یک چهره از چهره های ظاهر [اوست]، باطنش چهره کفر است، چهره وابستگی با بیگانگان است. چهره صدر اسلام است که در بسیاری از آیات شریفه قرآن چهره منافقین بیشتر ترسیم شده است تا چهره کفار، در سوره بقره دو آیه در باره کفار است، ولی وضع منافقین، اندیشه های اینها، افکار اینها، چند چهره بودن اینها، شب اینها، روز اینها، در اجتماعات چگونه نفوذ می کنند و همچنین در سایر سوره های قرآن تأکید شده که، چهره منافق را بشناسیم. همین که در سوره منافقین می فرماید *اتخذوا ایمانهم جنة و فصدوا عن سبيل الله* همین دوجمله انهم ساء ما كانوا يعملون آنها عهدها، پیمانهای خودشان را سپر قرار می دهند، برای اینکه پشت سپر توطئه ها و دسیسه ها خودشان را پنهان کنند. و هیچ پابند عهد و پیمانی نیستند و اینها کوشش دارند که راهی که انبیاء باز کردند، اسلام باز کرده به طرف حق، به طرف خیر، به طرف عدالت، این راه را بر مردم سد کنند. اینگونه دسیسه ها امروز، برادرها، خواهرها، فرزندان عزیز، اسلام ما دچار چنین منافقین شرور و حيله گر و فریبکاری هستیم که گاه به چهره اسلام درمی آیند به چهره ایرانی هستند، بسیار هم اظهار دلسوزی می کنند برای مردم، ولی وابسته به جاهای دیگر هستند، مرتبط به جاهای دیگر هستند، چهره چهره ایرانی ولی روح و درون و نفسش، نفس، اندیشه خلق امپریالیست، صهیونیست و دیگر قدرتها یعنی کوبیدن مسلمانها در چهره اسلام یا در چهره ایران و اختلاف در صفوف. این گرفتاریهایی که ما امروز در مرکز، در شهرستانها بخصوص در کردستان برای این کشور پیش آمده بدست کیست؟ آن ساواکی آن دزد فراری که با سرکرده شان فرار کردند و آن صهیونیست که نمی آید خودش را معرفی بکند من چنینم، در چهره این احزاب و این گروهها درمی آید و شعارهای فریبنده می دهد و چنین فتنه هایی برمی انگیزد مسأله سطحی نیست که ما گمان بکنیم که

با یک خواستهای طرف هستیم و از این جهت خواسته‌هایشان هم گنگ است، می‌آیند تعهد می‌کنند ولی پایبند تعهدات خودشان نیستند. می‌گویند این است خواسته‌های ما. والا کدام دولت کدام منشاء اثر و کدام رهبری است که با یک خواسته‌های معقول و منطقی یک گروهی مخالفت کند. چه بهانه‌ای اینها دارند. چه می‌گویند، آیا این مساله تا بحال مطرح شده که اینها چه می‌خواهند؟ به حسب ظاهر چند مساله‌ای را مطرح می‌کنند و می‌گویند خواسته‌های ما این است ولی در باطن چی؟ در باطن همان مرامنامه حزب دموکرات بیست سال قبل است که در مقابل رژیم آن مرامنامه را تنظیم کردند. یعنی بالاخره تجزیه ولی اکثر برادران کرد ما خواهان کرد ما هم از این دسیسه زیر پرده بی اطلاع هستند. بارها می‌گویند اگر شما دیوار آهنی هم بین ما و دیگر برادران مسلمان ما بکشید ما دیوار را فرو می‌ریزیم. راست هم می‌گویند، ولی اینها نیستند آنهایی که دسیسه می‌کنند، اینها نیستند که می‌آیند اظهار می‌کنند. چه می‌خواهید؟ می‌خواهیم در سرنوشت خودمان مختار باشیم، فرهنگ کردی را تعمیم بدهیم، خوب بکنید. کی جلوگیری کرده؟ می‌خواهیم انجمن‌های شهروستار تشکیل بدهیم. کی جلوگیری کرده؟ بعد دیگر چه می‌خواهید؟ پایگاه‌های نظامی و ارتش از اینجا برود. پاسدارهای غیربومی بروند. یعنی چه؟ آخرش چی؟ آخرش یعنی ما هرکاری دلمان می‌خواهد بدست خودمان باشد، فقط دولت مرکزی به ما نان بده، آرد بده، نفت بده، پول بده. آخر مساله به اینجا می‌انجامد. هیچ حق دخالت در کار ما ندارید یعنی دولت فقط جیره ده پاکیسه اینها باشد که به اینها بدهد. نفت را از خوزستان بیاورند به اینها بدهند و اینها هیچ تمکینی از دولت مرکزی نداشته باشند. این شدنی است؟ همه چیز بدست خود ما فقط بودجه بدست دولت که به ما بدهد. چون آن را هم از خودشان ندارند. از جای دیگر به ما بودجه بده ما خودمان می‌دانیم.

آیا این سوال مطرح نیست که قریب ده هزار، بیست هزار، سی هزار مسلح با حقوق سه هزار تومن، چهار هزار تومن، پنج هزار تومن، از کجا تأمین می‌شود؟ خوب بپرسید، این آقایان یک همچنین سرمایه‌ای از پدرشان دارند؟ از کجا آورده‌اند؟ آیا به عهد و پیمان‌شان وابسته هستند و متعهدند؟ همانطوری که به آنها گفتم شما عهد دارید؟ شما پیمان دارید؟ افسر ایرانی، سرهنگ، سربازهای ما افسرهائی که برای حفظ امنیت آمدند به اینها تأمین می‌دهید؟ پرچم امنیت می‌گذارید روی ماشین‌شان بعد همینکه بیرون آمدند به گلوله می‌بندید؟ شما می‌شود عهد و پیمان بست؟ یک مرد می‌که اول گفتند ما به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دهیم، یعنی خودشان را عملاً "از نود و هشت درصد مسلمانهای مردم ایران

جدا کردند. یهودی رأی داد، زردشتی رأی داد، مسیحی رأی داد صابئی رأی داد، ولی یک عده ای گفتند ما رأی نمی دهیم. پس اگر رأی نمی دهید دیگر چه می خواهید؟ آن ملا، آن پیشوای مذهبی که می گوید من رأی به جمهوری اسلامی نمی دهم یعنی چه؟ جمهوریت اسلامی غیر از این است که قوانین قرآن و قوانین الهی باید پیاده شود؟ خوب این چه جور پیشوای مذهبی است که نمی خواهد قوانین الهی پیاده شود؟ پیشوای دین هم هست.

نمونه ای برای شما، برای روشنگریتان عرض می کنم، نخواستیم زیاد افشاگری بکنیم، همان وقتی که در چهار ماه، پنج ماه قبل مساله سنندج پیش آمد ما با دوستانمان رفتیم برای حل مساله چه می خواهید؟ چه می گوئید؟ بعد از تحقیقات معلوم شد یک درگیری بین کمیته شیعه و کمیته اهل سنت ایجاد کرده اند و بعد هم یک نفر به تیر مجهول کشته شده و بعد هم یکی از همین آقایان سران رفت در تلویزیون و رادیو را گرفت و دستور داد که ژاندارمری را بگیرد و خلع سلاح کردند ژاندارمری را. رئیس ژاندارمری هم زود تسلیم شد. حالانی دانم چه شغلی به او داده اند. بعد شهربانی هم تسلیم شد. بعد حمله کردند به طرف پایگاه نظامی مرکز نظامی. بروید آنجا را هم بگیرید. آنها از خودشان دفاع کردند. اگر امروز مرکز نظامی ارتش سنندج سقوط کرده بود، می دانید چه فاجعه ای می شد؟ ما هم غافل، تا وارد شدیم عوامل و دور و ور بهای اینها داد و فریاد راه انداختند که ارتشیه ها، جوانهای ما را کشته اند با بمب بهرما ریختند، خمپاره ریختند بهرما. خوب ما را هم ناراحت کردند. چرا ارتش چنین کاری بکند؟ برای چه؟ چه جنگی داشته علیه مردم؟ خدا رحمت کند مرحوم شهید قرنی را. با او تماس گرفتیم او گفت که ما دستوری ندادیم برای حمله مردم به اینها حمله می کنند به پادگان از بالا و پایین. ما دفاع نکنیم؟ اسلحه را بدهیم بدست اینها؟ سربازانمان را به کشتن بدهیم؟ باز باور نکردم. در جلسه ای که رفتیم، در میدان عمومی از این چیزهایی که شبیه کله قند است جلو ما گذاشتند که با اینها ما را کشته اند. تو بیمارستانها، رفتیم. عجیب وضعی پیش آمده. بالاخره رفتیم به پادگان برای این که به اینها اعتراض کنیم. چرا بر سر مردم خمپاره ریختید؟ ببینید دسیسه، تبلیغات دروغ. بعد هم متوجه شدیم یک عده جوانهای سرباز متدین متعهد ایستادگی کرده اند در مقابل حمله اینها، و از سوی دیگر هم دوسه نفر سرهنگ بودند که خودشان بومی آنجا بودند گفتند آقا به ما حمله می کنند، وضع پادگان در یک سطح پایینی واقع شده از بالا و پایین به ما حمله می کنند، ما دفاع نکنیم؟ گفتم خوب حمله می کنند، چرا با خمپاره به اینها حمله کردید؟ گفتند خمپاره نیست اینها، مشعلهایی است که به هوا پرت می کنیم که اطرافمان را ببینیم بعد جعبه را باز کردند مشعلها

را به هوا پرت کردند گفتند بعد از آنی هم که سوختشان تمام شد اگر جائی سقوط کند آسیبی نمی‌رساند. همین‌ها را برداشته‌اند این فریبکاران جلو ما رژه می‌دهند که با این خمپاره ما را کوبیده‌اند. از هر فرصتی استفاده کرده‌اند آنوقت به من پیام می‌فرستند علمای آنجا سران آنجا، که مثل مغولها به ما حمله می‌کنند و این ارتش شما آمده ما را می‌کوبد. ارتش ابتدائاً وارد شد؟ فتنه را کی ایجاد کرد؟ از کجا شروع شد؟ هیچ بررسی شده؟ اینها آیا به قول وعهدشان قانع هستند؟ اگر واقعاً "مسائلشان این باشد بسیار آسان قابل حل است، ولی مساله این نیست اینها صدایشان از خودشان نیست اینها بودند که رفتند در اروپا و خارج زیر لاک خودشان پنهان شدند، این مردم مسلمان خون دادند حالا سکت به صدا در آمده‌اند. تسلیم شده‌ها انقلابی شدند، وابسته‌ها دو مرتبه آمدند توکار، اینها کجا بودند؟ چه می‌کردند؟ بعد یکی از علما می‌نویسد و این آیه را در ذیل به رخ من می‌کشد و تلک‌الدار الا خره نجعلها للذین لا یزیدون علواً" فی الارض ولا فساداً. "آیا ارتش ما علو کرده؟ رهبرهای ما علو کردند در زمین؟ اینها که هم‌ماش طرفدار مستضعفین، طرفدار بیچاره‌ها و طرفدار محرومین هستند. کی علو کرده؟ کی فساد در زمین می‌کند؟ و باید بدانید برادرها خواهرهای کرد، حساب شما از اینها جداست. و این ننگی که دارند به پیشانی کردستان می‌زنند و این همه مجاهده‌ها که کرده‌ها کردند دارند از بین می‌برند. اینها یک عده محدودی هستند. باید حساب مردم کردستان، برادران و خواهران مسلمان و متعهد ایرانی را از یک مشت کسانی که معلوم نیست با هست از کجا کمک به اینها می‌رسد، متهم می‌کنند از کشور بزرگ شمالی ما به آنها کمک می‌رسد؟ از یک کشور اسلامی به اینها کمک می‌رسد، از اسرائیل می‌رسد، از طرف دزدهای فراری و عوامل رژیم سابق هر روز به اینها پول و اسلحه داده می‌شود. پس می‌خواهند در مقابل این دسیسه‌ها مردم ساکت بنشینند؟ ارتش دخالت نکند؟ پس چه بکند؟ پس ارتش برای چه روزی است؟ و این درگیری عاقبتی برای کردستان ندارد. جز خرابی جز کشتار جز ویرانی جز از بین بردن آبروی برادرها و خواهرهای کرد، هیچ محصولی ندارد. سی میلیون جمعیت ایران و مسلمانها تسلیم یک مشت خودخواه و وابسته به دیگران نخواهند شد. خودشان باید در ابتدا حساب اینها را برسند. نمی‌رسند؟ چاره‌ای نیست جز ارتش. ارتش دخالت نمی‌کند؟ نمی‌تواند؟ ضعف پیش می‌آید؟ همه ملت ایران. ما هم راه می‌رفتیم امام خمینی هم راه می‌افتد. ما این انقلاب را مفت بدست نیاورده‌که باز چیه؟ یک مشت بازیگر بین المللی بشویم. شصت هزار [نفر از] بهترین جوانهای ما کشته شد. خیال می‌کنند به این مفتی، [ما می‌گذاریم هر چه خواستند بکنند]؟ خیلی خوب تو برو کنار، بعد بلوچستان را تحریک

کن، بعد خوزستان را تحریک کن، بعد دولت مرکزی بماند با تهران و کویر
لوت و یزد و کرمان. عاقبت کار همین است دیگر. این خیانت بزرگ. اگر مطلبی،
پیشنهادی انسانی، معقول و درست دارند پیشنهاد کنند، منهای آنهایی که دستشان
به خون مردم آلوده شده. و الا همینطور مبهم هرروز یکجا تحریک کردن، این ملت تحمل
نمی‌کند، قرآن هم تحمل نمیکند، قرآن هم می‌گوید: قاتلوهم حتی لا یكون فتنه هرجا فتنه
شد باید بکوبید فتنه‌را، قرآن دین ما تحمل نمی‌کند. اگر مساله است، مطلبی است معقول
و حقی است که اسلام هیچ حقی را ضایع نمی‌گذارد هیچ مرام و مسلکی به اندازه اسلام به مردم
حق نداده. خوب بیایند ابراز بکنند، دیگر آتش افروزی برای چه؟ تحریکات برای چه؟ و
بالاخره به دست شما ملت باید این آتشها خاموش بشود و فتنه‌ها از میان برود و "حتی
یكون الدین کله لله" فقط حاکمیت برای خدا و برای قانون خدا.

بسم الله الرحمن الرحيم تبیت یدایی لہب و تب ، ما اغنی عنہ مالہ وما کسب
سیصلی نارا " ذات لہب ، و امرأتہ حمالة الحطب ، فی جیدھا حبل من مسد .

ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان .

یا ایہا الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدۃ و خلق منها زوجہا و بث
منہما رجالا " کثیرا " و نساء و اتقوا الله الذی تسائلون بہ و الارحام .

ربنا و لا تحملنا ما لا طاقت لنا بہ ، و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا و انصرنا
علی القوم الکافرین و انصرنا علی القوم الظالمین برحمتک یا ارحم الراحمین .

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

کتابخانہ آنلاین «طالقانی و زمانہ ما»